

تأثیر جامعه شبکه‌ای بر فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۴

علیرضا قاضی‌زاده*

چکیده

پرسش اساسی مقاله این است که فرآیند شبکه‌ای شدن چه تأثیری بر سازمان‌های اطلاعاتی داشته است؟ به نظر می‌رسد چنین وضعیتی موجب کاهش سطح پنهان‌کاری، انعطاف‌پذیری، تغییر در ساختار، رویکردها و نیز تغییر فرآیند جمع‌آوری اطلاعات در سازمان‌های اطلاعاتی شده است. از این‌رو، تنوع موضوعات اطلاعاتی و تکثر تهدیدات در فضای شبکه‌ای، موجب شده تا کمتر کشوری به تنهایی قادر باشد با همه وجوه تهدیدات برخورد نماید. از این‌رو، ورود به رویکرد نوینی به نام تسهیم اطلاعات، سرویس‌های اطلاعاتی را قادر می‌سازد ضمن فائق‌آمدن بر تهدیدات نوین، نسبت به حفاظت و صیانت از اطلاعات حیاتی و استراتژیک اقدام نمایند.

کلیدواژه‌ها: جامعه شبکه‌ای، سازمان‌های اطلاعاتی، جمع‌آوری اطلاعات، بازیگران اطلاعاتی، تهدیدات نوین

* دانشجوی دکتری مطالعات راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال چهاردهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۰ • شماره مسلسل ۵۳

مقدمه

جهانی‌شدن سیاست، امنیت و فناوری اطلاعات، نوعی اطلاعات جهانی را به وجود آورده است. این اطلاعات، عمدتاً تحت تأثیر رسانه‌های نوین، موجب شده بیش از پیش وابستگی، تعامل و ارتباط درونی میان اجزای این نوع از اطلاعات تشدید شود. پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و اطلاعات‌گرایی، محرک‌هایی هستند که در قالب فرآیند جهانی‌شدن، تمدنی نوین را در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی شکل داده‌اند. پارادایم جدید، همچون حلقه‌های زنجیر، محرک اصلی فرآیند شبکه‌ای‌شدن هستند که در نهایت، روند فعالیت اطلاعاتی^۱ را از رشد خطی به سمت رشد متحول و پویا سوق می‌دهند. پیامدهای این تحولات، بدون شک در شکل‌گیری تحولات سازمان‌های اطلاعاتی نیز مؤثر و چشمگیر خواهد بود. جامعه شبکه‌ای^۲، به تعبیر کاستلز^۳، ساختارها و فعالیت‌های اجتماعی اصلی‌ای است که حول شبکه‌هایی سازمان داده شده‌اند که اطلاعات را به کمک روش‌ها و ابزارهای الکترونیک پردازش می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۴۰). از این رو، مهمترین مؤلفه جامعه شبکه‌ای، فضای جریان‌هاست که موجب می‌شود ارتباطات در درون شبکه‌ها رونق گرفته و چرخه تعاملات برقرار شود. حوزه‌های بنیادین جامعه، اعم از اقتصاد، سیاست، اجتماع، هویت، تجارت و مانند آنها، متأثر از ویژگی‌های شبکه‌ای، موجب پردازش و مدیریت اطلاعات شده و دگرگونی‌های اساسی را به همراه می‌آورند. پارادایم نوین ارتباطات، فراسوی سلسله‌مراتب ارزشی حاکم بر جوامع سنتی پیشین، ارتباط ساکنان سیاره زمین را در گستره‌ای افقی فراهم آورده است. نیوت گینگریچ در توصیف دوران جدید ارتباطات می‌نویسد:

«هر روز جمع بیشتری از مردم امکان می‌یابند فراتر از ساختارها و سلسله‌مراتب جمعی، در پناه گوشه‌های امنی که انقلاب اطلاعاتی ایجاد کرده است، به فعالیت پردازند. بر خلاف انقلاب صنعتی که مردم را گروه گروه به داخل سازمان‌های عظیم اجتماعی مانند شرکت‌های عظیم، اتحادیه‌های بزرگ و دولت-ملت‌های مدرن می‌راند، انقلاب ارتباطات و فضای شبکه‌ای، در حال از هم پاشیدن این غول‌ها و هدایت ما به سوی چیزی است که هویت‌های

1. Intelligence Activity
2. Network Society
3. Manual Castells

منتزع نامیده می‌شود» (داوسن و فاستر، ۱۳۷۹: ۷۶). از این رو، جامعه شبکه‌ای، فضایی سنتی که افراد و گروه‌ها بدون ارتباط با یکدیگر در آن به سر ببرند، نیست، بلکه تعاملات مؤثر مجازی و واقعی، ضرورت حضور در جامعه شبکه‌ای را شکل می‌دهد. بسیاری از این ارتباطات، بدون نظارت دولت‌ها و در بازه زمانی اندکی انجام می‌شود، بدون اینکه امکان کنترل و محدودیت برای آن وجود داشته باشد. شبکه‌ها، ساختارهایی باز هستند که می‌توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را در درون خود پذیرا شوند. تا زمانی که این نقاط توانایی ارتباط در شبکه را داشته باشند، یعنی مادام که از کدهای ارتباطی مشترک (برای مثال ارزش‌ها یا اهداف کارکردی) استفاده کنند، می‌توانند قدرت تأثیرگذاری خود را نیز اعمال نمایند. بنابراین، فرآیند در حال تکوین جهانی شدن که مارتین آلبرو^۱ آن را فرآیند الحاق ساکنان سیاره زمین به جهان اجتماعی واحد می‌داند (Baylis and Smith, 1997: 15)، هم به عنوان پیامد ظهور پارادایم نوین ارتباطات و هم به عنوان عامل برانگیزاننده گسترش روزافزون آن، بیشترین بازتاب‌های امنیتی خود را در عرصه اقتصاد جهانی شده بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر، شبکه‌ها به ابزار هماهنگ‌سازی برای تقریباً تمامی فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی در جهان تبدیل شده‌اند. شکل‌گیری و هدایت اعتراضات، خشونت‌ها، آشوب‌ها، تظاهرات و ناآرامی‌ها، متأثر از فضای جامعه شبکه‌ای هستند. با چنین وضعیتی، پرسش اساسی این است که جامعه شبکه‌ای، چه تأثیری بر حوزه فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی دارد؟ و سازمان‌های اطلاعاتی، چگونه می‌توانند در فضای شبکه‌ای با تهدیدات مقابله نمایند؟ فرض مقاله بر این است که جامعه شبکه‌ای، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، سازمان‌های اطلاعاتی را تحت تأثیر قرار داده و موجب شده سطح محرمانگی اطلاعات کاهش یابد. از این رو، سازمان‌های اطلاعاتی همانند گذشته قادر نیستند صاحب همه نوع اطلاعات باشند و اطلاعات را تحت حفاظت و مراقبت خود قرار دهند، بلکه امروزه، بخش عمده‌ای از اطلاعات، در اختیار همگان است که به سادگی قابلیت انتشار و توزیع پیدا کرده است. از این رو، لازم است این سازمان‌ها با بازنگری اساسی در فعالیت‌ها و شرح وظایف خود، فضای جدید را درک کرده و متناسب با آن به پیش‌بینی و مقابله با تهدیدات بپردازند.

الف. ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای

با آغاز هزاره سوم، تحولات همه‌جانبه‌ای در شالوده‌های زندگی اجتماعی انسان آغاز شده است. کانون و بنیان این دگرگونی، چیزی است که مانوئل کاستلز آن را «انقلاب تکنولوژی اطلاعات» نام نهاده است. تکنولوژی جدید اطلاعات، به محض رواج، رشدی انفجارگونه پیدا کرد و توسط فرهنگ‌های متفاوت، سازمان‌های مختلف و برای اهداف گوناگون، به خدمت گرفته شد و مبدأ نوآوری‌های تازه‌ای در تکنولوژی گردید. ارتباط الکترونیک، سرانجام کل جهان را به صورت شبکه درآورد و کنترل آن به دست گروهی از نخبگان جهان‌وطنی افتاد و غیر از این گروه، همگان کنترل خود را بر زندگی و محیط از دست دادند. از آنجا که هر سلطه‌ای مقاومتی را در برابر خود برمی‌انگیزد، مقاومت در برابر سلطه شبکه، در قالب جنبش‌های ملی، قومی و فرهنگی ظهور و بروز می‌یابد. کاستلز می‌گوید جهان ما در شبکه‌هایی متشکل از مجموعه‌های گسترده‌ای از «جوامع مجازی»، یعنی افراد و اجتماعاتی که با تکنولوژی جدید اطلاعاتی به هم پیوند خورده‌اند، سامان یافته است. در عین حال، به رغم این شبکه جهانی، وجه بارز زندگی سیاسی و اجتماعی دهه ۱۹۹۰، سامان‌یافتن کنش اجتماعی و سیاست اجتماعی حول هویت‌های پیشینی است که ریشه در تاریخ و جغرافیا دارد. از این رو، نخستین گام‌های جامعه اطلاعاتی در آغاز تاریخ خود، تکیه بر هویت به عنوان اصل سازمان‌دهنده است (کاستلز، ۱۳۸۳: ج ۳: فصول ۴ و ۵).

کاستلز، هویت را به مثابه فرایندی تعریف می‌کند که هر کنشگر اجتماعی، خود را به وسیله آن شناسایی می‌کند و از خلال خصائص فرهنگی (و نه دیگر ساختارهای اجتماعی)، جهان معنایی خود را می‌سازد (کاستلز، ۱۳۸۳: ۱۸). در عین حال، هویت‌جویی لزوماً به معنی ناتوانی در ایجاد ارتباط نیست. ناسیونالیسم فرهنگی، غالباً در خدمت احیای جامعه ملی است و ملت را محصول تاریخ و فرهنگ منحصر به فرد خود و بستگی جمعی آن می‌داند. وی به عنوان شاهدی بر این پدیده، به نظر آلن تورن اشاره می‌کند که گفته است در جامعه فراصنعتی که در آن خدمات فرهنگی به جای کالاهای مادی می‌نشینند، دفاع از شخصیت و فرهنگ کنشگر اجتماعی در برابر منطق بازار، جایگزین اندیشه مبارزه طبقاتی می‌شود. این فرآیند، از سویی

موجب رشد افسارگسیخته جهانی‌شدن شده که به دنبال برقراری هویت‌های متمرکز است و از سوی دیگر، به پراکندگی و تنوع هویت‌های چهل‌تکه در سراسر جهان انجامیده است. کاستلز برای پاسخ به این معما، به تحلیل جامعه‌شناسانه - روان‌کاوانه ریموند بارگلو اشاره می‌کند. بارگلو برای گشودن راز این پارادوکس، چنین استدلال می‌کند که اگرچه سیستم‌های اطلاعاتی و شبکه‌سازی، از طرفی باعث افزایش قدرت انسان در سازمان‌دهی شده، اما از طرف دیگر، مفهوم کنشگر مستقل و منفرد را که مفهومی سنتی در غرب است، دچار تزلزل کرده است. فرد که به دنبال تحولی طولانی در تاریخ و تکنیک، اینک خود را به کلی گم کرده، برای یافتن پیوند تازه، به سراغ هویت مشترک و بازسازی‌شده می‌رود. با این حال، کاستلز این فرضیه را بخشی از تبیین مسئله می‌داند نه همه آن، زیرا بحرانی که خویشتن فرد را تهدید می‌کند، به غرب که موضوع تحلیل بارگلو است، محدود نمی‌شود، بلکه این مسئله در شرق نیز که حس هویت قوی‌تر است، وجود دارد. کاستلز با یادآوری این واقعیت، در نهایت، تحلیل خود را بر این موضوع متمرکز می‌کند که علت چنین پدیده‌ای، طرد فرد توسط شبکه است. توضیح کاستلز این است که وقتی شبکه، فروغ فرد را به خاموشی محکوم می‌کند، «خویشتن»، چه فردی و چه جمعی، ناگزیر می‌کوشد بدون ارجاع به مرجع جهانی، به ساختن دنیای معنایی خود اقدام کند (کاستلز، ۱۳۸۳: ج ۲، بخش ۳ و ۴). هنگامی که حذف‌شدگان، از پذیرش منطق یکجانبه‌گرایانه سلطه ساختاری سرباز می‌زنند، فرآیند قطع ارتباط دوسویه می‌شود و حاصل آن، همان است که امروزه به صورت اشکال گوناگون جست‌وجوی هویت در بنیادگرایی‌ها، قوم‌گرایی‌ها و ملی‌گرایی‌ها بروز می‌یابد.

کاستلز، بر خلاف نظریه‌های پست‌مدرن که از ناتوانی جامعه در قبال سرنوشت خویش سخن می‌گویند، معتقد است به واسطه ماهیت فرهنگی شبکه، روشنفکران به عنوان حاملان فرهنگ، می‌توانند در شکل‌دادن به جامعه نقش مهمی داشته باشند. می‌توان به کنش اجتماعی معنادار و اتخاذ سیاست‌های تحول‌زا اقدام و به جریان جست‌وجوی هویت، جهتی آزادی‌بخش داد. در ترسیم نقشه جهان، تکنولوژی و جست‌وجوی هویت، هر دو نقش اساسی دارند. با این حال، نقش روشنفکر را نیز باید با توجه به وجوه دوگانه جامعه شبکه‌ای ملاحظه کرد، بدین

معنا که روشنفکر، هم می‌تواند ابزار قدرت و ثروت باشد و هم به عنوان حامل فرهنگ، سهمی در ظهور خصلت‌های جدید در شبکه داشته باشد.

در چنین وضعیتی و به تناسب وضعیت جامعه شبکه‌ای، مفهوم تهدید نیز دگرگون شده و شکل جدیدی به خود گرفته است. زمانی تهدید صرفاً در شکل خارجی و بیرونی آن تحلیل می‌شد و هر نوع خطری که از بیرون مرزهای سیاسی متوجه نظام سیاسی می‌شد، به عنوان تهدید در نظر گرفته می‌شد، اما با پیشرفت جوامع بشری و تغییر در شکل روابط، شکل تهدید نیز دگرگون شد تا جایی که امروزه، با توسعه مطالعات امنیتی، بعد داخلی به عنوان مهمترین بعد تهدید تحلیل می‌شود. از این رو، در رویکردهای داخلی، عمدتاً ابعاد جامعه‌شناختی موضوع تحلیل می‌شود و همه گروه‌هایی که در حوزه داخلی کار می‌کنند، در بحث‌های امنیتی و غیرامنیتی که در مقام تجزیه و تحلیل‌های پدیده‌های داخلی هستند، لاجرم از زاویه جامعه‌شناسی به تحلیل موضوع می‌پردازند. به همین نسبت، سازمان‌های اطلاعاتی نیز از وظایف جدیدی در حوزه‌های بررسی، اقدام پنهان، جمع‌آوری و حفاظت برخوردار شده‌اند. در جامعه شبکه‌ای، شبکه‌ها ساختارهای باز هستند که می‌توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را درون خود پذیرا شوند. تا زمانی که این نقاط، توانایی ارتباط در شبکه را داشته باشند، یعنی مادام که از کدهای ارتباطی مشترک استفاده کنند، قابلیت تغییر چهره را دارند. هر ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه، سیستم باز و پویایی است که بدون آنکه توازن آن با تهدیدی روبرو شود، توانایی نوآوری دارد. بنابراین، شبکه‌ها ابزار مناسبی برای فعالیت‌های مختلف مانند سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اطلاعاتی هستند.

چون شبکه‌ها چندگانه‌اند، کدها و کلیدهایی که بین شبکه‌ها عمل می‌کنند، به منابع اصلی شکل‌دهی، هدایت، و گمراه‌ساختن سازمان‌ها تبدیل می‌شوند. هم‌گرایی تکامل اجتماعی و تکنولوژی‌های اطلاعات، در سراسر ساختار اجتماعی، شالوده مادی جدیدی برای فعالیت‌ها ایجاد کرده‌اند. این شالوده مادی، که در درون شبکه‌ها جای دارد، فرایندهای اجتماعی مسلط را مشخص می‌کند و بدین ترتیب، ساختار اجتماعی را شکل می‌دهد که بر مبنای آن، صورت‌های مختلف هر پدیده رخ می‌نمایند.

به همین سبب، نکته محوری در اندیشه کاستلز، برساخته‌شدن هویت‌هاست و مهم‌تر اینکه، این هویت‌ها چگونه، از چه چیزی، توسط چه کسی و به چه منظوری برساخته می‌شوند. اینکه چه کسی و به چه منظوری هویت جمعی را برسازد، تا حدود زیادی، تعیین‌کننده محتوای نمادین هویت مورد نظر و معنای آن برای کسانی است که خود را با آن یکی می‌دانند یا بیرون آن تصور می‌کنند. برساختن اجتماعی هویت، در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد. از این رو، کاستلز بین سه صورت و منشأ برساختن هویت تمایز قائل می‌شود:

هویت مشروعیت‌بخش: این نوع هویت توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آنها را بر کنش‌گران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند.

هویت مقاومت: این هویت به دست کنش‌گرانی ایجاد می‌شود که در وضعیت یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطق سلطه، بی‌ارزش دانسته شده یا داغ ننگ بر آن زده می‌شود.

هویت برنامه‌دار: هنگامی که کنش‌گران اجتماعی با استفاده از مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترس، هویت جدیدی برمی‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب، در پی تغییر شکل ساخت اجتماعی برمی‌آیند، این نوع هویت تحقق می‌یابد. مصداق این نوع هویت، وقتی است که برای مثال، فمینیسم از سنگر مقاومت و دفاع از هویت و حقوق زنان خارج می‌شود تا پدرسالاری را به چالش بخواند (کاستلز، ۱۳۸۳: ج. ۲: ۲۲-۲۶).

به طبع، هویت‌هایی که در آغاز به منزله هویت مقاومت شکل می‌گیرند، ممکن است مبلغ برنامه‌هایی باشند یا در طول تاریخ، در میان نهادهای جامعه، به نهاد مسلط بدل شوند و بدین ترتیب، به منظور عقلانی کردن سلطه خود، به هویت‌های مشروعیت‌بخش تبدیل گردند. هر یک از فرایندهای هویت‌سازی، به نتایج متفاوتی در ایجاد جامعه می‌انجامد؛ یعنی مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادها و همچنین، مجموعه‌ای از کنش‌گران اجتماعی سازمان‌یافته و ساختارمند را پدید می‌آورد. این مجموعه، هویتی را بازتولید می‌کند که منابع سلطه ساختاری را در جامعه مدنی، البته گاهی به شیوه پرتعارض، عقلانی می‌سازد. هویت مقاومت، منجر به ایجاد جماعت‌ها و به تعبیر اتزیونی، اجتماعات می‌شود که مهمترین شکل هویت‌سازی در جامعه نیز همین مورد می‌باشد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۶).

این هویت، شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر ظلم و فشار ایجاد می‌کند که در غیر این صورت، تحمل‌ناپذیر بودند و معمولاً، بر مبنای هویت‌هایی ساخته می‌شود که آشکارا به وسیله تاریخ، جغرافیا و زیست‌شناسی تعریف شده‌اند و تبدیل مرزهای مقاومت را به جنبه‌های اساسی و ذاتی آسان‌تر می‌کنند.

از سوی دیگر، هویت برنامه‌دار به ایجاد سوژه (فاعل) می‌انجامد. سوژه‌ها با آنکه به وسیله افراد ساخته می‌شوند، همان افراد نیستند. آنها کنش‌گر اجتماعی جمعی هستند که افراد به کمک آنها در تجربه‌های خود به معنایی همه‌جانبه دست می‌یابند. در اینجا، ساختن هویت، پروژه یا برنامه‌ای برای زندگی متفاوت است که هرچند ممکن است مبتنی بر هویت تحت ستم باشد، اما در جهت دگرگونی جامعه، به منزله استمرار برنامه این هویت، گسترش یافته است. کاستلز تأکید می‌کند این پرسش که انواع مختلف هویت‌ها چگونه و به دست چه کسی ساخته می‌شوند و چه پیامدهایی دارند، نمی‌تواند به صورت کلی و انتزاعی بحث شود، بلکه امری است مربوط به متن و زمینه اجتماعی که مراد از آن، همان جامعه شبکه‌ای است.

در جامعه شبکه‌ای، جوامع مدنی تحلیل می‌روند و از هم می‌گسلند، زیرا دیگر پیوستگی و استمرار میان منطق اعمال قدرت در شبکه جهانی و منطق ارتباط و باز نمود در جوامع و فرهنگ‌های خاص وجود ندارد. بنابراین، جستجوی معنا فقط در بازسازی هویت‌های دفاعی حول اصول اجتماع اشتراکی مقدور می‌شود. اکثر کنش‌های اجتماعی بر مبنای تضاد میان جریان‌های ناشناخته و هویت‌های منزوی سازمان می‌یابد. در مورد پیدایش هویت‌های برنامه‌دار، باید گفت این امر هنوز هم رخ می‌دهد یا ممکن است بسته به نوع جوامع، باز هم رخ دهد. کاستلز این فرضیه را پیش می‌کشد که شکل گرفتن سوژه‌ها، در قلب فرایند اجتماعی، مسیری را در پیش خواهد گرفت که با آنچه ما طی مدرنیته و مدرنیته متأخر (در مفهوم جیمسونی و گیدنزی) شناخته‌ایم، تفاوت دارد: سوژه‌ها، اگر و آنگاه که برساخته شوند، دیگر بر اساس جوامع مدنی که در حال فروپاشی هستند، بنا نمی‌شوند، بلکه به مثابه استمرار مقاومت جماعت‌گرایانه ساخته می‌شوند. در حالی که طی دوره مدرنیته، هویت برنامه‌دار از بطن جامعه مدنی برمی‌خاست (مثل سوسیالیسم که بر پایه نهضت کارگران پدیدار شد)، در جامعه شبکه‌ای، هویت برنامه‌دار اگر هم پدید آید، از دل مقاومت جماعت‌گرایانه بیرون می‌آید.

این مطلب، معنای واقعی اولویت نوین خط مشی هویت در جامعه شبکه‌ای است. تحلیل فرایندها و شرایط و پیامدهای تبدیل مقاومت جماعت‌گرایانه به سوژه‌های دگرگون‌ساز، قلمرو اصلی نظریه تغییر اجتماعی در عصر اطلاعات است.

ب. سازمان‌های اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای

برای بررسی پیوند جامعه شبکه‌ای و سازمان‌های اطلاعاتی، باید ماهیت سازمان‌های اطلاعاتی در عصر جدید بررسی شود. در مطالعات اطلاعاتی، مرسوم است که دگرگونی در مؤلفه‌های اطلاعاتی، در پی تغییر و تحول در مؤلفه‌های نظام بین‌الملل و امنیت بین‌الملل تحلیل گردد. پایان جنگ سرد و رشد تحقیقات اطلاعاتی پس از این زمان، گواهی بر این مدعاست. در نگاهی کلان و بنیادین، تغییر در مؤلفه‌های اطلاعاتی، وابسته به دو متغیر جامعه و قدرت است. تغییرات بنیادین در این دو عنصر می‌تواند موجب تغییر نظام اطلاعاتی از طریق تغییر در محیط راهبردی جهان گردد. با فرض اجماع بر سر وظیفه اساسی سازمان‌های اطلاعاتی که حفاظت از ارزش‌های حیاتی نظام سیاسی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی می‌باشد، می‌توان در چهار سطح مفهوم اطلاعات، محیط اطلاعاتی، لایه‌های اطلاعاتی و مراجع اطلاعاتی، به تحلیل تأثیر جامعه شبکه‌ای پرداخت.

اطلاعات در کاربرد سازمان‌های اطلاعاتی، به معنای جمع‌آوری اطلاعات، بررسی، ارزیابی، حفاظت و اقدام پنهان در مقابل تهدیدات می‌باشد. بنابراین، خلل در این فرآیند می‌تواند آثار زیان‌باری بر ماهیت سازمان اطلاعاتی وارد آورد. اطلاعات در این چارچوب، قادر است به مرور زمان، سبب بروز تغییرات در منافع ملی گردد. جامعه شبکه‌ای، دقیقاً بر همین کارکرد سازمان اطلاعاتی تأثیر گذاشته است. دگرگونی در ماهیت اطلاعات و تغییر ویژگی‌های اخبار و اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، موجب شده سازمان‌های اطلاعاتی نیز حوزه‌های نوینی را وارد مفهوم اطلاعات نمایند که در گذشته به آن نمی‌پرداختند. همچنین، محیط اطلاعاتی، اگر در گذشته محیط ملی دولت‌ها بود، امروزه به محیط پیرامونی و بین‌المللی و بلکه جهانی نیز کشیده شده و سازمان‌های اطلاعاتی صرفاً نمی‌توانند در داخل کشورها، عمل کنند. علاوه بر این، محیط ثابت گذشته، جای خود را به محیطی پویا و رقابتی داده که در صورت سهل‌انگاری سایر

بازیگران، جای او را پر خواهند کرد. در بحث لایه‌های اطلاعاتی نیز ورود به تمام حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، زیست‌محیطی، بهداشتی، پزشکی و مانند آنها، امروزه جزء وظایف سازمان‌های اطلاعاتی شده است. سازمان‌های اطلاعاتی مانند گذشته صرفاً به دنبال کشف جاسوس نیستند، بلکه شناسایی وجوه متعدد تهدیدات داخلی و خارجی و نیز تهدیدات سایبری، از وظایف این سازمان‌ها برای تأمین امنیت کشورهاست. همچنین، در حوزه مراجع اطلاعاتی، در گذشته، سازمان‌های اطلاعاتی عمدتاً کارکرد تک‌مرجعی به معنای تأمین امنیت نظام سیاسی را داشتند، اما در شرایط جامعه شبکه‌ای، کمتر سرویس اطلاعاتی است که صرفاً به دنبال تأمین امنیت نظام سیاسی باشد. تهدیدات متکثر شده‌اند و از این رو، تأمین امنیت شهروندان، جامعه، نظام سیاسی و کشور، از اهمیت فراوانی برخوردار شده و ضرورت دارد به این مسأله از زاویه فلسفه سازمان‌های اطلاعاتی پرداخته شود.

بنابراین، جامعه شبکه‌ای تأثیرات اساسی بر حوزه‌های فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی گذاشته است. این وضعیت، موجب شده روند شناخت تهدیدات اطلاعاتی و مقابله با آنها، از نگاه سنتی تغییر چهره داده و با رویکردهای جدیدی مواجه شوند. رشد فناوری اطلاعات، تجدید ساختار روابط درونی شبکه‌ها، ایجاد شبکه‌های جدید اجتماعی و برقراری نوع نوینی از ارتباطات، موجب شده سازمان‌های اطلاعاتی در برابر تغییرات اساسی قرار بگیرند.

اگر به تعبیر شولسکی، اطلاعات را اخبار موثقی بدانیم که با تدوین و اجرای سیاست کشورها در جهت تأمین منافع امنیتی و مقابله با تهدیدات حریفان بالفعل یا بالقوه نسبت به آن منافع، سر و کار دارد (Shulsky, 1993: 12)، می‌توان تأثیر جامعه شبکه‌ای را در ارکان اساسی اطلاعات مشاهده نمود. تغییر در لایه‌های اقدام پنهان، ضد اطلاعات، جمع‌آوری اطلاعات و حوزه بررسی اطلاعاتی، موجب شده سازمان‌های اطلاعاتی، دچار تغییرات شگرفی شوند. تغییر در سطح محرمانگی^۱ اطلاعات سبب شده امروزه، بر خلاف گذشته، اطلاعات صرفاً در اختیار سازمان‌های اطلاعاتی نباشد و به تعبیری، همگان صاحبان اطلاعات هستند. از این رو، چه بسا هر فرد، اخبار و اطلاعاتی داشته باشد که سازمان‌های اطلاعاتی فاقد آن باشند. در چنین شرایطی، این فرد می‌تواند نسبت به توزیع، انتشار و انتقال اطلاعات به روش خود اقدام نماید.

سطح دیگر تغییر، مربوط به سطوح هویتی می‌شود که جوامع را به خود مشغول کرده است. در گذشته، هویت ملی، هویت برتر جامعه و دارای شاخصه‌های اساسی در مقابل سایر هویت‌ها بود. از این رو، هویت هر فرد با هویت ملی گره خورده و فرد در فضای ملی خودش شناخته می‌شد. امروزه، بر اساس تحولات شبکه‌ای، مفهوم هویت دگرگون شده و چهره‌های مجازی، دیجیتالی، فردی و گروهی رخ نمایانده‌اند. از این رو، هر یک از شهروندان، موضوع سازمان اطلاعاتی قرار می‌گیرند. اگر سازمان اطلاعاتی نتواند علیه سازمان حریف اقدامی انجام دهد، در مقابل، به راحتی قادر است بر شهروندان جامعه رقیب تأثیرگذار باشد و از طریق شیوه‌های مختلف جاسوسی، اهداف خود را دنبال نماید. به همین نسبت، در حوزه داخلی، سازمان‌های اطلاعاتی به سادگی نمی‌توانند با افراد و شهروندان برخورد نمایند، زیرا هر موضوع فردی و فروملی، به آسانی قابلیت جهانی شدن پیدا می‌کند و چه بسا به عنوان جرم بین‌المللی، قابلیت تعقیب و رسیدگی یابد. در کنار این مسائل، میزان اشراف اطلاعاتی سازمان‌ها در ابعاد فنی و تکنولوژیکی، افزایش یافته است. به کارگیری فناوری‌های نوین ارتباطاتی در کنترل و دریافت علائم سیگنالی، موجب شده چتر اطلاعاتی سازمان‌ها بر ارتباطات الکترونیکی افزایش یابد و سازمان‌های اطلاعاتی امکان نظارت بیشتر و دقیق‌تر بر ارتباطات را پیدا نمایند.

با چنین تحولاتی، جامعه شبکه‌ای بر بسیاری از حوزه‌های مأموریتی سازمان‌های اطلاعاتی تأثیرگذار بوده و در برخی موارد، ماهیت اطلاعات و برخی وظایف و لایه‌های آن را تحت تأثیر قرار داده است. از جمله این حوزه‌ها، جمع‌آوری است که از شکل سنتی خارج شده و به نیازهای نوین نیز توجه می‌نماید. در ادامه، به سطح و نوع این تأثیرات پرداخته می‌شود.

ج. تهدیدات اطلاعاتی در جامعه شبکه‌ای

همزمان با رشد جامعه شبکه‌ای، تهدیدات اطلاعاتی نیز متحول شده‌اند. مفهوم تهدید و نظامات مرتبط با آن، در عصر کنونی دچار تغییرات ماهوی گردیده است. تغییرات رخ داده در چرخه تولید تهدید ملی در عرصه جامعه شبکه‌ای را می‌توان در سه گروه اصلی خلاصه نمود. تغییر منابع تهدید که نقش ورودی‌های نظام اطلاعاتی را ایفا نموده و توان بالقوه خطر محسوب می‌شود. طیف متنوعی از تهدیدات اطلاعاتی محور در سال‌های اخیر مطرح شده‌اند

که به طور کامل منابع ایجاد تهدید را بازمهندسی نموده‌اند. وابسته‌شدن قدرت اقتصادی به زیرساخت‌ها و تعاملات اطلاعاتی، وابسته‌شدن قدرت نظامی به سامانه‌های اطلاعاتی، وابسته‌شدن قدرت سیاسی به دانش و آگاهی و توان دستیابی به قدرت نرم، وابسته‌شدن توان فرهنگی و اجتماعی به ابزارهای اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای، نمونه‌هایی از شکل‌گیری منابع تهدید اطلاعات محور هستند که موجب تغییر در تولید و شناخت منبع تهدید شده است. این نوع از تهدیدات، اثرگذاری تاکتیکی بر چرخه تولید قدرت اطلاعاتی دارند. همچنین، در سطح اثرگذاری عملیاتی، فرآیندهای تولید تهدید، بر چرخه سازمان‌های اطلاعاتی اثرگذار است. روابط بین مردم، دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی و همچنین، نوع برداشت از سطح تهدید، مهمترین محورها در فرآیند تهدیدمحور است. علاوه بر این، تغییر در کاربرد تهدید با توجه به دگرگونی‌های رخ داده، موجب تغییر پارادایم از تهدید سخت به تهدید نرم شده است. پیشرفت‌های فناوریانه و توان شکل‌دهی به جریان اطلاعات در جامعه شبکه‌ای، موجب شده امکان تحقق توان رفتاری تهدید از طریق پیاده‌سازی راهبردهای تهدید نرم فراهم آید. از این رو، شکل تهدید عمدتاً به گونه‌های هویتی، گفتمانی و نرم تغییر چهره داده است. تهدیدات سنتی، در گذشته، عمدتاً به شکل بیگانه‌محور و با تأکید بر شناسایی جاسوسان از کشورهای دیگر صورت می‌گرفت. از این رو، فرآیند مظنون‌یابی در سازمان‌های اطلاعاتی با تأکید بر بیگانگان شروع می‌شد. در حال حاضر، می‌توان گفت ملیت در تعیین سوژه بودن برای سازمان‌های اطلاعاتی نقش زیادی ندارد. هر فرد با هر نوع ملیت می‌تواند موضوع تهدید قرار گیرد. شکل‌گیری گفتمان‌های متضاد و تهدیدمحور در درون نظام‌های ملی، موجب شده روند برخورد و مدیریت آن برای سازمان‌های اطلاعاتی دشوار شود و صرفاً با اقدام اطلاعاتی محدود نتوان به مقابله با آن پرداخت. این نوع گفتمان‌ها که بعضاً وارداتی نیز می‌باشند، با طراحی و هدایت حریف، به شکل نرم وارد محیط خودی شده و مورد استقبال شهروندان قرار می‌گیرند. از این رو، علاوه بر بیگانگان، شهروندان جوامع ملی به دلیل سهولت و کثرت ارتباطات با خارج از مرزهای سیاسی، می‌توانند در معرض آسیب قرار گیرند. رشد این نوع تهدیدات به صورت آشکار و پنهان در جوامع مختلف، زمانی که به صورت شبکه‌ای در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند، می‌تواند برای نظام سیاسی بحران‌آفرین شود.

د. شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات در جامعه شبکه‌ای

جمع‌آوری اطلاعات^۱ مأموریت اصلی هر سازمان اطلاعاتی است که هدف از آن کسب اطلاع از هدف یا حریف، به منظور نظارت و کنترل بر سوژه و آگاهی از مقدمات، ضعف‌ها و توانمندی‌های وی می‌باشد. از این رو، سازمان‌های اطلاعاتی، سرمایه‌گذاری اساسی در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات می‌کنند تا بتوانند با اشراف بیشتری اقدام نمایند. وظیفه اصلی سازمان اطلاعاتی، دستیابی به اطلاعات و قرارداد آن در اختیار سایر ارکان سرویس اطلاعاتی است تا به بررسی و تجزیه و تحلیل آن اقدام و سپس، نسبت به توزیع آن میان رده‌های مختلف مبادرت نمایند. در تعریفی دیگر، جمع‌آوری اطلاعات عبارت است از گردآوری داده‌ها و اخبار از طریق پنهانی، آشکار یا توسط روش‌های فنی (مانند عکس‌برداری، ماهواره‌ها، شنود ارتباطات الکترونیک و غیره) و یا هر طریق دیگر که منجر به کسب اطلاعات مورد نیاز سازمان اطلاعاتی گردد (Shulsky, 1993: 16). از این رو، یکی از مهمترین وظایف سازمان‌های اطلاعاتی، جمع‌آوری و کسب اطلاعات مورد نیاز در حوزه ملی و فراملی می‌باشد. هر سازمان اطلاعاتی، روش‌های متعددی برای جمع‌آوری در اختیار دارد و بر حوزه‌های خاصی سرمایه‌گذاری می‌کند. هرچند جمع‌آوری رکن اساسی و ضروری سازمان‌های اطلاعاتی است، اما شیوه‌های به‌کارگیری آن دارای اهمیت نسبی می‌باشد. برای مثال، محققان اطلاعاتی، اهمیت جمع‌آوری اطلاعات از منابع آشکار مانند نشریات، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، روزنامه‌ها، سایت‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی، در مقایسه با استفاده از سایر شیوه‌های انحصاری سازمان‌های اطلاعاتی را دارای درجات مختلفی دانسته‌اند. برخی سازمان‌ها، تمرکز اصلی را بر جمع‌آوری آشکار گذاشته و در مقابل، برخی دیگر، عمدتاً از جمع‌آوری پنهان استفاده می‌کنند. همچنانکه، ممکن است برخی دیگر از کشورها از جمع‌آوری فنی و الکترونیک بهره بگیرند. آلن دوپونت^۲، تحولات فناوری در گسترش شیوه‌های جمع‌آوری را مؤثر دانسته و معتقد است در قرن ۲۱، انقلابی در شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات توسط سرویس‌های اطلاعاتی به وجود آمده است. او از هدایت دقیق و پردازش پرسرعت داده‌ها، همراه با پیشرفت در نظریات و

1. Intelligence Collection
2. Alan Dupont

راهبردهای اطلاعاتی، به عنوان نقطه عطف فعالیت‌های اطلاعاتی یاد می‌کند. چنین روندی، موجب شده است فرآیند جمع‌آوری، از حالت سنتی دوران جنگ سرد خارج شده و علاوه بر سازمان‌های اطلاعاتی، سایر بازیگران نیز به یکی از عوامل اصلی جمع‌آوری تبدیل شوند (Dupont, 2003: 58). از این رو، می‌توان گفت ماهیت وظیفه جمع‌آوری اطلاعات در جامعه شبکه‌ای، تفاوتی با دوره‌های قبلی ندارد و همچنان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، اما به کارگیری روزافزون ابزار و تکنولوژی‌های مدرن و نیز تسریع در گردآوری، تولید، بررسی و توزیع اخبار، موجب شده در فرآیند جامعه شبکه‌ای، سازمان‌های اطلاعاتی، پویاتر، چالاک‌تر و سریع‌تر باشند. در واقع، هر سازمانی که بیشتر از این ابعاد برخوردار باشد، در عرصه رقابت با سایرین موفق‌تر خواهد بود.

مهمترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در سازمان‌های اطلاعاتی عبارتند از:

۱. جمع‌آوری اطلاعات آشکار^۱

ماهیت عصر حاضر، انتشار فوری و سریع اطلاعات در جهان است که موجب شده در فاصله کوتاهی، خبر از منشاء حادثه به مخاطبان برسد. از این رو، فراوانی و گستردگی اخبار، یکی از ویژگی‌های جهان حاضر است. اگر در دوره‌های گذشته، مانند جنگ جهانی اول و دوم یا جنگ سرد، دسترسی به اخبار برای افسران اطلاعاتی مشکل بود، امروزه فراوانی آن به مشکل تبدیل شده است. از این رو، هنر و مزیت نسبی کارشناسان بررسی اطلاعاتی در حال حاضر، نحوه تشخیص اطلاعات ضروری از غیر ضروری است تا بتوانند از آن در تحلیل خود سود جویند. روش جمع‌آوری آشکار، قادر است در زمینه‌های مختلف اطلاعات سیاسی، اطلاعات علمی - فنی، فرهنگی - اجتماعی، اطلاعات نظامی، اقتصادی، بیوگرافی و اطلاعات جغرافیایی، به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز سازمان اطلاعاتی مبادرت نماید. برخی اندیشمندان اطلاعاتی معتقدند امروزه، بیش از ۹۰ درصد نیازمندی‌های سرویس‌های اطلاعاتی، از طریق جمع‌آوری آشکار قابل حصول است (Sands, 2005: 68).

در چنین وضعیتی، سازمان‌های اطلاعاتی در قرن ۲۱، سرمایه‌گذاری‌های کلانی برای کسب اطلاعات آشکار کرده‌اند.

۲. جمع‌آوری اطلاعات پنهان^۱

جمع‌آوری اطلاعات پنهان، یکی از روش‌های تخصصی سازمان‌های اطلاعاتی به شمار می‌رود. افسران اطلاعاتی با به کارگیری روش‌های خاص اطلاعاتی، اقدام به جمع‌آوری آن دسته از اطلاعاتی می‌نمایند که به طریق آشکار قابل حصول نمی‌باشد. از این رو، استفاده از این ابزارها، عمدتاً مستلزم اختیارات قانونی است که سازمان‌های اطلاعاتی هر نظام سیاسی به طور انحصاری از آن بهره‌مند هستند. شرمین کنت، این ابزارها را متعدد دانسته و معتقد است بهره‌گیری از شیوه‌های تعقیب و مراقبت، ورود پنهان، بازجویی، کنترل تلفنی و مانند آنها، صرفاً در اختیار نهادهای قانونی اطلاعاتی می‌باشد (Kent, 2006: 176). مهمترین ویژگی اطلاعات پنهان، میزان بالای صحت و قابلیت اعتماد به آن است. چون سازمان اطلاعاتی رأساً نسبت به جمع‌آوری اقدام می‌نماید، از مراحل ابتدایی بر روند تولید اطلاعات نظارت دارد و کیفیت آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. استفاده از شیوه‌ها و شگردهای نوین در جمع‌آوری پنهان، عمدتاً پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، ۲۰۰۱ موجب شد تغییرات اساسی در این نوع اطلاعات نیز حاصل آید. ترکیب علوم مختلف با یکدیگر، به کارگیری روش‌های بین رشته‌ای، استفاده از دانشمندان سایر رشته‌ها در حوزه اطلاعات و ضد اطلاعات و به کارگیری فناوری‌های نوین در جمع‌آوری پنهان، بخشی از تأثیرات جامعه شبکه‌ای بر این حوزه بوده است.

۳. جمع‌آوری اطلاعات الکترونیک^۲

یکی دیگر از روش‌های جاری جمع‌آوری اطلاعات در سازمان‌های اطلاعاتی، بهره‌گیری از اطلاعات الکترونیکی می‌باشد. این روش که از قدیم‌الایام مورد استفاده بوده، امروزه چنان دگرگون شده که امکان نظارت و کنترل بر هر موضوعی برای افسران اطلاعاتی در هر نقطه‌ای

1. Clandestine Intelligence Collection
2. Electronic Intelligence Collection

از دنیا فراهم شده است. توسعه ماهواره‌های جاسوسی و نظامی، گسترش دوربین‌های فوق تخصصی در حوزه جاسوسی، تولید ابزارهای پیشرفته شنود و کنترل مکالمات تلفنی، نظارت پیشرفته در حوزه اینترنت و مانند آنها، بخشی از تحولات شگرفی هستند که سازمان‌های اطلاعاتی را به صورت غیرقابل باوری، توانا و قدرتمند کرده‌اند. سازمان‌های اطلاعاتی آمریکایی و اروپایی، با مشارکت یکدیگر، اقدام به راه‌اندازی سیستم ویژه‌ای به نام «اشلون»^۱ نموده‌اند که با به کارگیری صدها ماهواره قوی در دنیا، قادر است هر نوع مکالمه یا ارتباطی را ردیابی و به مراجع ذیربط منتقل نماید. وظیفه شبکه «اشلون»، جمع‌آوری اطلاعات ماهواره‌ای از مخابرات، اینترنت و مانند آنهاست و این کار را با کمک بشقاب‌های ماهواره‌ای بسیار بزرگی که به سمت ماهواره‌های مخابراتی هدف گرفته شده‌اند، انجام می‌دهد. این بشقاب‌ها در پوشش‌های کروی قرار دارند تا معلوم نشود کدام ماهواره تحت نظر است. به دلیل ساختار ماهواره، هر گیرنده‌ای در محدوده ماهواره و با داشتن کانال آن، بدون شناخته شدن قادر به دریافت اطلاعات از آن ماهواره است. این سیستم که دهها سال از فعالیت آن می‌گذرد، امروزه خدمات زیادی به کشورهای عضو این پیمان می‌نماید (Aldrich, 2010: 45).

بنابراین، با وجود انفجار اطلاعات، نیاز به اطلاعات راهبردی و عملیاتی بهنگام و باارزش، نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه به شدت افزایش خواهد یافت و آنچه سازمان‌ها و کارشناسان موفق قرن جدید را متمایز می‌کند، توانایی در ترکیب و تلفیق تمام عناصر فرایند فراهم‌ساختن پشتیبانی بی‌وقفه برای تصمیم‌گیران و فرماندهان عملیاتی خواهد بود. انقلاب رایانه‌ای و در پی آن، انقلاب اینترنتی، شیوه‌های ذخیره‌سازی، بازیابی و توزیع داده‌های اطلاعاتی را تغییر داد و نوع تعاملات بین تحلیل‌گران فردی و گروه‌های تحلیلی در سازمان‌های اطلاعاتی را دگرگون کرد. به خصوص، انقلاب اینترنتی، چشم‌انداز اطلاعات منابع آشکار^۱ (اخبار طبقه‌بندی نشده و عام) را به عنوان ابزار حیاتی، به روی سازمان‌های اطلاعاتی گشود. دسترسی سریع به انبوه دانش جهانی با کمک موتورهای جست‌وجوی هرچه پیشرفته‌تر، ماهیت ارزیابی اطلاعات را دگرگون کرده و تکیه سنتی بر اسرار را از اساس تغییر داده است.

1. Open Source Intelligence (OSINT)

انقلاب جمع‌آوری آشکار، همچنین به خصوصی‌سازی بی‌سابقه ارزیابی منجر شده است که در آن، انبوهی از شرکت‌های بخش خصوصی، نظرات کارشناسی در زمینه تحلیل ریسک جهانی را به قیمتی غالباً پایین ارائه می‌دهند. از این رو، سازمان‌های اطلاعاتی قادرند با هزینه اندک، اطلاعات فراوانی در مورد رقبای داخلی و خارجی خود به دست آورند. چنین وضعیتی، موجب شده فقر اطلاعاتی از بین برود و سازمان‌ها در انبوهی از اطلاعات آشکار و پنهان غوطه‌ور شوند که در صورت نبود سیستم‌های دقیق تجزیه و تحلیل، موجب گمراهی آنها خواهد شد. فراوانی بیش از حد یا انبوه اخبار، در حال حاضر، مشکل رایج و معمول تمام سیستم‌های اطلاعاتی مهم دنیاست. آنچه روبرتا وولستتر^۱ در توضیح شکست اطلاعاتی پرل هاربر در ۱۹۴۱، مشکل اساسی می‌دانست، یعنی دشواری تشخیص پیام‌های حقیقی از میان سروصدای محیط پیرامونی که اطلاعات از آن عبور می‌کرد، اکنون واقعاً تعیین‌کننده چالش اطلاعاتی بزرگ قرن بیست و یکم است (Wark, 2003: 28).

آنچه از زمان پرل هاربر تا کنون تغییر یافته، حجم پیام‌های حقیقی و سروصدای پیرامونی و تولید اطلاعات گسترده است. به موازات اینکه حجم اطلاعات خام افزایش می‌یابد، مشکلات نگران‌کننده‌ای برای هشدار اطلاعاتی، شکست‌های تحلیلی و سیاسی شدن، تحریف داده‌ها و ارزیابی‌ها توسط تصمیم‌گیران به وجود می‌آید. از این رو، به دلیل انبوهی اطلاعات، گزینش جهت‌دار در داخل جامعه‌های اطلاعاتی رخ می‌دهد و فشار تصمیم‌گیران سیاسی موجب می‌شود اطلاعات جهت‌دار و بعضاً خلاف به خارج از سازمان اطلاعاتی منتقل شود. معمای دیگر، که از طریق پیشرفت‌های حیرت‌انگیز در جمع‌آوری اطلاعات فنی ایجاد شده، تمایل به تحریف و به اصطلاح، کانالیزه کردن فعالیت‌های اطلاعاتی است. پیدایش اطلاعات مخابراتی و اطلاعات تصویری و پیشرفت روزافزون آنها، نوعی اولویت‌بندی اجتناب‌ناپذیر محصولات اطلاعاتی به وجود آورده که در آن، سیستم‌های بسیار فنی و پرهزینه، با روش‌های قدیمی‌تر و سنتی جمع‌آوری اطلاعات مقایسه می‌شوند. به دلایل مستدل، می‌توان گفت ارزش محصولات اطلاعات مخابراتی و تصویری که در نتیجه ماهواره‌های مدرن، هواپیماهای جاسوسی و سیستم‌های جدید تولید می‌شود، با آنچه از طریق روش‌های سابق فراهم می‌شد، قابل مقایسه

1. Roberta Wohlstetter

نیست. از سوی دیگر، این پیشرفت‌های ظاهری در زمینه جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، به تقلیل ارزش گزارش‌دهی سنتی توسط عوامل مخفی یا حتی عدم توجه کافی به ارزش مطالب منابع آشکار منجر شده و در نتیجه، جامعه‌های اطلاعاتی، توازن خود را در این زمینه از دست داده‌اند.

جامعه شبکه‌ای در عرصه جمع‌آوری اطلاعات، موجب تأثیرگذاری بر روند سطح دسترسی به موضوعات جمع‌آوری نیز شده است. اگر در گذشته، سازمان جمع‌آوری اطلاعات موظف به اخذ اطلاعات در حوزه‌های کلان بود و صرفاً نسبت به اخذ اطلاعات پیرامونی و کلیات اکتفا می‌کرد، امروزه، به واسطه گسترش جامعه شبکه‌ای، این روند تغییر رویه داده و تمام ریزموضوعات سوژه‌های اطلاعاتی را به سادگی می‌توان جمع‌آوری کرد. اکنون، افسران اطلاعاتی با به کارگیری ابزارهای مختلف جمع‌آوری قادرند تمام اطلاعات مربوط به سوژه خود را گردآوری و تحلیل نمایند. جامعه شبکه‌ای در عصر اطلاعات، موجب تأثیرگذاری بر حوزه‌های اصلی فرآیند اخبار و اطلاعات شده است. گرایش‌های فن‌آوری زیربنایی نهفته در انقلاب اطلاع‌رسانی جاری، به تعبیر برکوویتز، در سه عبارت اساسی خلاصه می‌شود: افزایش توانمندی‌ها، کاهش هزینه‌ها و ارتباطات وسیع (Berkowitz and Goodman, 2000:36).

این سه مؤلفه در حوزه جمع‌آوری اطلاعات نیز موجب شده‌اند سازمان‌های اطلاعاتی به راحتی بتوانند بر نیازمندی‌های خود فائق آیند و با موفقیت بیشتر وظایف خود را انجام دهند. اگرچه، چنین شرایطی، همزمان برای رقبا نیز وجود دارد و آنها هم از این مزایا بهره می‌برند.

۴. کنش‌گران نوین اطلاعاتی در جامعه شبکه‌ای

افزایش تعداد بازیگران اطلاعاتی، از دیگر پیامدهای جامعه شبکه‌ای است. متعاقب رشد اطلاعات و داده‌ها در رسانه‌های مختلف، نوع و سطح بازیگران نیز تغییر کرده است. در گذشته و به ویژه در دوران جنگ جهانی دوم و جنگ سرد، عمده بازیگران، دولت‌ها و به عبارتی، سرویس‌های اطلاعاتی بودند که علیه یکدیگر اقدام به جاسوسی می‌کردند. همچنین، فعالیت پنهان، به دلیل هزینه‌های زیادی که همراه داشت، فقط توسط سرویس‌های اطلاعاتی طراحی و حمایت می‌شد.

امروزه، علاوه بر دولت‌ها، بازیگران غیر دولتی نیز به فعالیت جمع‌آوری روی آورده‌اند. به گفته روی گادسون^۱، حتی سازمان‌های غیردولتی نیز تعیین‌کننده محیط اصلی اطلاعات نخواهند بود، بلکه افراد، به عنوان عناصر اصلی نقش‌آفرینی خواهند کرد. خارج‌شدن تعیین سرنوشت محیط اطلاعاتی از کفایت دولت و سازمان‌های اطلاعاتی و شریک‌شدن سازمان‌های غیر دولتی، موجب افزایش تعداد بازیگران در فضاها ملی و بین‌المللی، از یک به چند بازیگر شده است (شولتز و گادسون، ۱۳۸۶).

برخی از نیروهای اپوزیسیون و مخالف در داخل کشورها یا برخی افراد که از صلاحیت بین‌المللی برخوردارند، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات به روش‌های مختلف می‌نمایند. برخی از جنبش‌های نوین اجتماعی نیز در حوزه فعالیت خود اقدام به پنهان‌کاری و جمع‌آوری اخبار می‌نمایند. همچنین، برخی احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ جامعه، اقدام به فعالیت اطلاعاتی می‌نمایند. این نوع فعالیت گاهی علیه دولت‌ها و گاهی نیز علیه رقبای داخلی یا خارجی به کار می‌رود. همچنین، در برخی کشورها، عده‌ای با نام خبرنگار، به چنان فعالیت‌های اطلاعاتی موفقیت‌آمیزی دست می‌زنند که چه بسا سازمان اطلاعاتی نیز از عهده انجام آن بر نیاید. بنابراین، این نوع از بازیگران، به چنان سطحی از توانمندی و سازمان‌دهی رسیده‌اند که قادرند در حوزه فعالیت پنهان به تحرک پردازند. اگرچه این احتمال نیز متصور است که سازمان اطلاعاتی، به طریق پوششی، در هر یک از ارکان فوق نفوذ نماید و در آن قالب به فعالیت پردازد، اما واقعیت این است که این بازیگران عمدتاً غیردولتی هستند که طی سال‌های اخیر، علاقه وافری به جمع‌آوری اطلاعات نشان داده‌اند.

در محیط راهبردی نوظهور، ترکیب افزایش سرعت، توانمندی و انعطاف‌پذیری گردش اطلاعات، همراه با افزایش دسترسی به انواع اطلاعات و افزایش تقاضای اطلاعات، سبب خواهد شد کنترل ورود و خروج اطلاعات به وسیله دولت‌ها، به گونه‌ای فزاینده دشوار شود (آلبرتس و پاپ، ۱۳۸۵: ۵۲). از این رو، علاوه بر دولت‌ها، بازیگران جدیدی نیز وارد فضای دریافت، تولید، پردازش و توزیع اطلاعات شده‌اند.

جدول ۱: تنوع بازیگران در عرصه جمع‌آوری اطلاعات

جمع‌آوری الکترونیک	جمع‌آوری پنهان	جمع‌آوری آشکار	نوع بازیگر / نوع جمع‌آوری
+++	+++	+++	دولت‌ها و نظام‌های سیاسی
+++	+++	+++	سازمان‌های اطلاعاتی خودی
+++	+++	+++	سازمان‌های اطلاعاتی حریف (بیگانگان)
+++	+++	+++	سازمان‌های بین‌المللی
--+	--+	+++	جنبش‌های نوین اجتماعی
--+	--+	+++	شبکه‌های اجتماعی مجازی
--+	--+	+++	سازمان‌های غیردولتی
--+	--+	+++	ناراضیان سیاسی - اجتماعی
--+	--+	+++	گروه‌های سیاسی مخالف
--+	+++	+++	گروه‌های تروریستی
--+	--+	+++	رسانه‌ها و خبرنگاران
---	--+	--+	افراد و شخصیت‌های حقیقی
---	--+	--+	محققین آزاد

سطح توانایی حداکثری +++ / سطح توانایی متوسط ++ / سطح توانایی ضعیف + --- /
فاقد توانایی ---

۵. پنهان‌کاری در جامعه شبکه‌ای

مطالعه رشد و گسترش جامعه شبکه‌ای در قرن ۲۱، گویای آن است که این فرآیند با شدت در حال پیش‌روی است و تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف قدرت و سیاست و نیز سازمان‌های اطلاعاتی بر جای گذاشته است. این وضعیت، موجب شده تأثیرات متعددی، اعم از فرصت و تهدید را به همراه داشته باشد. در مطالعه تطبیقی، چنانچه بخواهیم این تأثیر را

بررسی نماییم، می‌توانیم با رویکرد امکان‌سنجی^۱، پیامدهای آن را مرور نماییم. در این رویکرد، با بررسی شرایط ظهور هر پدیده، امکان رشد آن در بازه زمانی مشخص و در موضوع خاص، بررسی می‌شود. از این رو، توجه به شرایط داخلی، خارجی و پیرامونی موضوع در اولویت قرار می‌گیرد. سازمان‌های اطلاعاتی نیز به عنوان پدیده‌ای که از این تحولات تأثیر پذیرفته‌اند، دارای چنین وضعیتی هستند. این امر، به ویژه در وظیفه جمع‌آوری اطلاعات، اهمیت اساسی پیدا می‌کند که دارای زمینه‌های فرصت‌زا و بعضاً تهدیدزا می‌باشد.

امروزه، سازمان‌های اطلاعاتی با تنوع موضوعات و به عبارتی، تکثر مسائل اطلاعاتی روبه‌رو هستند. برخی از این مسائل، در گذشته وجود نداشت یا حضور آن کم‌رنگ بود و سازمان‌های اطلاعاتی، کمتر به آن می‌پرداختند، اما در عصر جامعه شبکه‌ای، سازمان‌های اطلاعاتی ناگزیر از ورود به این حوزه‌ها هستند. مسائلی مانند جرایم سازمان‌یافته، تروریسم نوظهور، مواد مخدر، آلودگی محیط زیست، اقتصاد بین‌المللی، پول‌شویی، قاچاق انسان، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مسائل سایبری و دهها مسأله دیگر، امروزه به دغدغه اصلی سازمان‌های اطلاعاتی تبدیل شده است. عدم اهتمام به این مسائل، به بروز بحران‌های امنیتی برای دولت‌ها می‌انجامد. در مواجهه با این مسائل، اولین اقدام، جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد که عمدتاً، تمام شیوه‌های جمع‌آوری، اعم از آشکار، پنهان و الکترونیک را در بر می‌گیرد. بنابراین، در مقابله با این نوع تهدیدات، همه توان سازمان جمع‌آوری اطلاعات به مدد سرویس اطلاعاتی می‌آید تا امکان نظارت و کنترل، به خوبی فراهم آید. این وضعیت، موجب شده مأموریت جامعه اطلاعاتی در برخی حوزه‌ها افزایش یابد. جمع‌آوری و تحلیل اطلاعاتی که تصمیم‌گیران نیاز دارند و آن را از سازمان اطلاعاتی مطالبه می‌نمایند، موجب شده بخشی از توان و نیروی سرویس اطلاعاتی به این امور اختصاص یابد. بنابراین، می‌توان گفت بعضاً اهداف و اولویت‌های اطلاعاتی نیز تغییر یافته‌اند (Lowenthal, 2003: 238).

چالش‌های امنیت بین‌المللی و امنیت جهانی موجب شده‌اند ورود دولت‌ها به این گونه مسائل، بااهمیت شود. همچنانکه، امروزه موضوعی به نام تروریسم مجازی، موجب شده تروریست‌ها، اهداف خود را در عرصه اینترنت دنبال نمایند. اینترنت، به دلیل برد جهانی و

بافت چندزبانی غنی‌اش، این استعداد را دارد که از راههای متعدد، روابط سیاسی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. بر خلاف رسانه‌های جمعی سنتی، معماری آزاد اینترنت، جلوی تلاش‌های دولت‌ها برای سامان‌دادن به فعالیت‌های اینترنتی را گرفته و این به ساکنان اینترنت، آزادی و مجال زیادی داده تا منطق و هویت خود را بر آن مسلط نمایند (کانوی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). حتی تروریست‌ها می‌توانند برای آگاه‌شدن از تدابیر ضد تروریستی از اینترنت بهره بگیرند.

از سوی دیگر، تغییرات سریع و مداوم در جامعه شبکه‌ای، موجب حدوث برخی مسائل نوین اطلاعاتی شده که قبلاً وجود نداشته‌اند و اساساً، دغدغه سازمان‌های اطلاعاتی هم نبوده‌اند. از این رو، فقدان توجه به هر موضوع مشخص اطلاعاتی، مشکلی جدی برای تصمیم‌گیران و مدیران اطلاعاتی به وجود آورده است. نیازمندی‌ها نامشخص هستند و با توجه به توانایی محدود سازمان‌های اطلاعاتی، تغییرات سریع موجب اتخاذ تصمیمات نامشخص و بعضاً نادرست می‌شود. این مسأله موجب می‌شود نیاز به مهارت‌های متنوع، گسترده و در عین حال، دقیق و تخصصی، بیشتر شود.

پیگیری مسائل اطلاعاتی در حوزه سایبر و اینترنت، اکنون به یکی از وظایف اصلی سرویس‌های اطلاعاتی تبدیل شده و افسران اطلاعاتی متخصص، به صورت تمام‌وقت بر این موضوعات متمرکز شده‌اند، در صورتی که در گذشته، چنین وظیفه‌ای برای افسران اطلاعاتی متصور نبود. رشد شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱ در اینترنت و نقش و توان آنان در سازمان‌دهی گروه‌های اجتماعی و بعضاً، ورود به آشوب‌ها و اعتراضات خیابانی، موجب شده بخشی از اولویت سرویس‌های اطلاعاتی به این موضوع اختصاص یابد. کاهش سطح توانایی سازمان اطلاعاتی در نظارت و کنترل بر این نوع شبکه‌ها، می‌تواند خطرات اساسی را متوجه دولت‌ها نماید. همچنین، مسائلی مانند بهداشت و محیط زیست که برای سرویس‌های اطلاعاتی اموری نوپا و تازه هستند، موجب تغییر اولویت‌ها می‌شود. مسأله بهداشت به خاطر گسترش بیماری‌هایی مانند ایدز، وبا و شیوع بیماری‌های مسری، اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. وظیفه اطلاعات در این خصوص، عمدتاً به کشف الگوهای آلودگی و شناسایی ریشه‌های آن مربوط می‌شود. در عین حال، شکاف بزرگی بین اطلاعات و سیاست‌گذاری در این رابطه

وجود دارد و ممکن است نتایج کاری سرویس‌های اطلاعاتی مورد رضایت سیاست‌گذاران نباشد. تحلیل این نوع از مسائل که پیچیده‌تر و در عین حال، کمتر قابل اندازه‌گیری هستند، موجب شده الگوهای تکرارپذیر گذشته، در حل این نوع از مسائل ناکارآمد باشند. از این رو، تعیین اولویت‌های اطلاعاتی و به عبارتی، تعیین تهدیدات، بسته به شرایط زمانی نیز تغییرپذیرند. اگرچه در سازمان‌های اطلاعاتی از تکنیک‌های آینده‌پژوهی استفاده می‌شود، اما چون ماهیت تهدیدات تغییر یافته‌اند، این سازمان‌ها نمی‌توانند به سادگی، اولویت‌های اطلاعاتی خود در آینده را مشخص نمایند. چنین وضعیتی، موجب بروز عدم قطعیت^۱، در مسائل اطلاعاتی شده است. در این شرایط، سازمان اطلاعاتی در حوزه‌های جمع‌آوری، بررسی و اقدام پنهان، با تردید مواجه می‌شود.

جنبه دیگر تحول سازمان‌های اطلاعاتی، مربوط به فعالیت‌های اطلاعاتی در حوزه شبکه‌ها می‌باشد. جامعه شبکه‌ای موجب شده، فعالیت اطلاعاتی در قالب اطلاعات شبکه‌ای درآید. شبکه پیچیده طراحی و اقدام اطلاعاتی توسط رقبا و حریفان، باعث ضرورت طراحی در این حوزه توسط سرویس خودی شده است. به بیان که آرکوئیل و رانفلد:

«جنگ‌های آینده بیشتر در میدان شبکه‌های اطلاعاتی انجام خواهد شد تا طبق سلسله‌مراتب سنتی. آن کس که بر این شبکه می‌تازد و بر آن مسلط می‌شود، حاکم بلامنازع آن خواهد بود» (Arquilla & Ronfeldt, 2001: 241).

فعالیت اطلاعاتی در عرصه شبکه‌های مجازی و اینترنتی، منجر به تولید و رشد جاسوسان غیر دولتی شده و افراد حقیقی و حقوقی، نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام می‌نمایند. حفاظت از اطلاعات در این عرصه، امری دشوار است و هزینه‌ای دوچندان می‌طلبد. حجم و نوع تهدیدات، متفاوت شده و در واقع، جاسوسی تبدیل به امری همگانی شده است که در آن، هر کس توان و قابلیت بیشتری داشته باشد، در عرصه جمع‌آوری نیز موفق‌تر خواهد بود. تقویت هویت‌های مجازی، به تعبیر کاستلز، چنان شکل می‌گیرد که ممکن است با هویت حقیقی نیز متفاوت باشد. بسیاری از اموری که فرد در حوزه حقیقی اجازه ورود به آن را ندارد، در عرصه مجازی، تبدیل به موضوعی مقبول می‌شود. فعالیت در این عرصه، همچنین منجر به

ارتباط سریع شبکه‌ها با یکدیگر و تولید روابط نوینی بین آنها شده که چه بسا تا مدت‌ها برای سازمان‌های اطلاعاتی قابل کشف نباشند. بنابراین، انگیزه‌های جاسوسی برای فعالیت در قالب شبکه‌ها بیشتر می‌شود و افراد مختلفی با مقاصد گوناگون به دنبال جمع‌آوری اطلاعات هستند. علاوه بر این، تولید اطلاعات، اعم از واقعی یا تحریف‌شده نیز به شدت افزایش می‌یابد و در واقع، همگان صاحب اطلاعات به شمار می‌روند. از این رو، محیط اطلاعاتی، اهداف اطلاعاتی، راهبردها، تاکتیک‌ها و تهدیدات، تغییر شکل می‌دهند. این تغییر چهره، به ویژه در رابطه با اطلاعات اقتصادی و جاسوسی اقتصادی که عمدتاً مربوط به شرکت‌های تجاری و بازرگانی می‌باشند، بیشتر حادث می‌شود (Boni & kovacich, 2000: 25). بسیاری از اطلاعات این شرکت‌ها، بدون نظارت سرویس اطلاعاتی، منتقل شده و به دست رقیب می‌افتد. در چنین شرایطی، احتمال دست‌بردن در اطلاعات و تحریف یا انکار آن نیز وجود دارد. از این رو، سازمان‌های اطلاعاتی معمولاً بخش ویژه‌ای را برای مقابله با این تهدیدات طراحی کرده‌اند.

از دیگر تأثیرات جامعه شبکه‌ای بر فرآیند جمع‌آوری اطلاعات در سازمان‌های اطلاعاتی، می‌توان به تشدید روند تولید اطلاعات فریب اشاره کرد. اطلاعات فریب به آن دسته از اخبار و اطلاعات نادرستی گفته می‌شود که حریف به منظور فریب و گمراه‌ساختن فرآیند تصمیم‌گیری علیه سرویس مقابل طراحی می‌نماید. این نوع اطلاعات عمدتاً به شکل‌های مختلف مانند تحریف، جعل، شایعه، تکذیب، دروغ، عملیات روانی و مانند آنها منتشر می‌شود. در اطلاعات فریب، گاهی اطلاعات درست و نادرست با هم تلفیق شده و نتیجه مورد دلخواه طراح از آن استنتاج می‌شود. با توجه به رشد فزاینده اخبار و اطلاعات و نیز تکرار رسانه‌های ارتباط جمعی و سهولت دسترسی به این نوع رسانه‌ها، تولید اطلاعات فریب به یکی از اهداف اساسی سرویس‌های اطلاعاتی تبدیل شده است. آنها تلاش می‌کنند از طریق تأثیرگذاری بر جامعه حریف، به صورت مستقیم با شهروندان آن جامعه ارتباط برقرار نموده و بین حوزه اجتماع و سیاست فاصله ایجاد نمایند. چنین فریبی، زمانی که در حوزه اطلاعات راهبردی صورت پذیرد، موجب گمراه‌ساختن حریف و مشغول‌نمودن او به امور کم‌اهمیت و نامرتبط می‌شود.

جامعه شبکه‌ای، همچنین موجب شده نقاط ضعف و آسیب رقبا، اولاً آسان‌تر شناسایی شده و ثانیاً ضربه‌پذیرتر شوند. در فضای سیستمی، چون ورودی‌های سیستم بیش از یک واحد

می‌باشد، لازم است میزان نظارت و کنترل بر پردازش و خروجی نیز افزایش یابد. در فضای شبکه‌ای، سازمان‌های اطلاعاتی از سطح مات و کدر به سطح شیشه‌ای و شفاف می‌رسند. در چنین فضایی، هر تصمیم اطلاعاتی با بازخوردهای بیرونی مواجه می‌شود که کنترل آن به سختی صورت می‌پذیرد. از این رو، در بسیاری اوقات، هر موضوع کم‌اهمیت می‌تواند برای سازمان اطلاعاتی بحران‌ساز باشد. در صورتی که سازمان‌ها نتوانند خود را با این تغییرات تطبیق دهند، نخواهند توانست به موقع عکس‌العمل نشان دهند. بنابراین، تحت تأثیر شفافیت شبکه‌ای برای سازمان‌ها، امکان شناسایی و تشخیص نقاط ضعف سیستم حریف آسان‌تر شده است. همچنانکه بسیاری از اطلاعات مربوط به اشخاص، اماکن و اسناد حریف، به صورت آشکار در اختیار همگان قرار دارد، حریف نیز به همان میزان قادر است از این اطلاعات بهره‌برداری که تروریست‌ها معمولاً از آن حداکثر فایده را می‌برند.

جامعه شبکه‌ای، همچنین، موجب شده شکل و نوع تهدیدات تغییر یابد و سازمان‌های اطلاعاتی با انواع مختلف تهدیدات مواجه شوند که در گذشته نبوده و شیوه برخورد و مدیریت آن نیز شناسایی نشده است. تهدیدات متعدد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، اطلاعاتی و سایبری که امروزه حادث می‌شوند، نیازمند طراحی‌های دقیق و تخصصی می‌باشد. در مطالعه این نوع بحران‌ها، مسأله اصلی تفکیک بحران امنیتی از سایر بحران‌هاست. به طبع، بسیاری از این موارد ماهیت امنیتی و اطلاعاتی ندارد و لازم است سایر سازمان‌های ذی‌ربط به آن رسیدگی نمایند و حتی‌الامکان، سازمان اطلاعاتی از ورود به آن خودداری نماید. بنابراین، افزایش سرعت، توانمندی و انعطاف‌پذیری گردش اطلاعات در عصر حاضر، اگرچه از جمله برتری‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی پیشرفته است، اما در مواجهه سازمان‌های اطلاعاتی، موجب رخ‌نمودن شکل نوینی از تهدیدات شده است. چنین شرایطی، موجب کمرنگ‌شدن جغرافیا و مرزهای ملی نظام‌های سیاسی شده و در واقع، محیط راهبردی موجود را پیچیده‌تر نموده است. افزایش شکاف، دگرگونی و بروز تضادهای بالقوه و نیز افزایش نابرابری‌ها بین دولت‌ها و طبقات جامعه، از دیگر پیامدهای این تکنولوژی‌هاست.

میزان و سطح تأثیر رشد جامعه شبکه‌ای بر فرآیند جمع‌آوری اطلاعات در سازمان‌های اطلاعاتی را می‌توان در جدول صفحه بعد مشاهده کرد:

جدول ۲: محورهای تأثیر جامعه شبکه‌ای بر فرآیند جمع‌آوری اطلاعات

نوع جمع‌آوری		محور تأثیر
جمع‌آوری آشکار	جمع‌آوری پنهان	
+++	+++	تولید موضوعات نوین اطلاعاتی
---	+++	تکثر و تنوع تهدیدات
+++	+++	افزایش سطح دسترسی به اطلاعات اماکن حساس
+++	+++	افزایش سطح دسترسی به فرآیند اطلاعات و ارتباطات
+++	+++	تشدید شناسایی افسران اطلاعاتی
---	+++	افزایش سطح پنهان‌کاری اینترنتی
+++	+++	افزایش سطح تولید اطلاعات
+++	+++	افزایش بازیگران اطلاعاتی
---	---	کاهش سطح محرمانگی اطلاعات
---	---	دگرگونی در مفهوم و سطح طبقه‌بندی اطلاعات
---	---	افزایش اطلاعات فریب
+++	+++	میزان تشخیص آسیب‌پذیری‌های حریف
+++	---	افزایش سطح جاسوسی شبکه‌ای
+++	+++	سرعت انتقال اطلاعات
---	---	تغییر شیوه‌ها و تاکتیک‌های جمع‌آوری اطلاعات
---	---	افزایش سطح دسترسی رقبا
+++	+++	گسترش تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی
---	---	سطح نظارت و کنترل
+++	+++	افزایش منابع اطلاعاتی
---	+++	ارتقاء سطح تحلیل اطلاعات

سطح توانایی حداکثری +++ / سطح توانایی متوسط +- / سطح توانایی ضعیف +-+

فاقد توانایی ---

شرایط متحول جامعه شبکه‌ای، موجب شده کانال‌های مختلف جمع‌آوری اطلاعات در اختیار مأموران اطلاعاتی قرار گیرد و سازمان‌های اطلاعاتی، صرفاً به روش‌های قدیمی متکی نباشند. اطلاعات سایبری^۱، امروزه به بخش مهمی از حوزه فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی تبدیل شده‌اند که می‌توانند در آن، علاوه بر تعقیب روش‌های اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی، به فریب و گمراه‌ساختن حریفان خود نیز اقدام نمایند. موضوعی که با گسترش فرآیند جامعه شبکه‌ای، پیچیده‌تر و تخصصی‌تر شده است. از این رو، به نظر می‌رسد سازمان‌های اطلاعاتی، بخشی از چرخه تولید و پردازش و توزیع اخبار در سطح تاکتیکی را به رقبا سپرده‌اند و در مقابل، به حفظ، تولید و توزیع اطلاعات حیاتی و راهبردی اقدام می‌نمایند. تفاوت سازمان جمع‌آوری اطلاعات در سازمان اطلاعاتی با سایر بازیگران اطلاعاتی، در همین مؤلفه نهفته است. دسترسی به اطلاعات راهبردی برای رقبا نسبتاً مشکل است و در صورت دسترسی، قادرند ضربه اساسی به امنیت ملی کشورها وارد نمایند. در عین حال، سازمان‌های اطلاعاتی، با به کارگیری روش‌های مختلف، اعم از آشکار و پنهان، تلاش می‌کنند هم اطلاعات راهبردی خود را محافظت نمایند و هم به اطلاعات حیاتی سایر بازیگران دسترسی یابند.

نتیجه‌گیری

سازمان‌های اطلاعاتی و به عبارتی، موضوع اطلاعات، در عرصه جامعه شبکه‌ای، دچار تغییر و تحولات ماهوی می‌شود. جامعه شبکه‌ای علاوه بر فرصت‌ها، تهدیداتی هم، اگرچه بالقوه، برای سازمان‌های اطلاعاتی به همراه دارد. مهمترین فرصت‌های ناشی از رشد جامعه شبکه‌ای برای سازمان‌های اطلاعاتی عبارتند از:

۱. افزایش تولید اطلاعات در حوزه‌هایی که سازمان‌های اطلاعاتی قبلاً کمتر امکان ورود به آنها را داشتند، مانند شناخت گروه‌های اجتماعی جامعه حریف؛
۲. دسترسی به لایه‌های مختلف تولیدکننده خبر، اعم از دولت‌ها، سازمان‌های رقیب، اشخاص، سازمان‌های غیر دولتی و غیره؛

۳. سهولت تطبیق و بررسی اخبار مشابه، به دلیل کثرت منابع منتشرکننده خبر؛
۴. بی‌نیازی سازمان‌های اطلاعاتی به سرمایه‌گذاری در برخی حوزه‌های تاکتیکی اطلاعات، به دلیل ورود سایر بازیگران؛
۵. نوگرایی و تخصصی‌شدن فرایند اطلاعات در سازمان‌های اطلاعاتی؛
۶. استفاده از تکنولوژی‌های نوین در سازمان‌های اطلاعاتی؛
۷. انعطاف‌پذیری سازمان‌های اطلاعاتی در برخورد با تهدیدات؛
۸. آمادگی سازمان‌های اطلاعاتی در برخورد با پدیده‌های جدید اطلاعاتی؛
۹. ضرورت بهره‌گیری از تجارب سایر سازمان‌های اطلاعاتی و روی آوردن به مقوله همکاری و تبادل اطلاعاتی؛
۱۰. به کارگیری منابع اطلاعاتی مجازی در فضای سایبری؛
۱۱. تمرکز بر اطلاعات راهبردی و حیاتی؛
۱۲. تخصصی‌شدن وظایف اطلاعاتی؛
۱۳. افزایش سرعت نقل و انتقال اخبار و اطلاعات؛
۱۴. افزایش سطح تحلیل‌گران اطلاعاتی به حوزه سایر بازیگران؛
۱۵. توانایی در شناخت و تشخیص سریع‌تر آسیب‌پذیری‌های حریف؛
۱۶. افزایش سطح تحلیل رقابتی، مشارکتی و تحلیل شبکه‌ای؛
۱۷. توانایی بیشتر در شناخت و تحلیل تهدیدات امنیتی، از طریق به کارگیری ابزارهای جدید تحلیل اطلاعاتی؛
۱۸. افزایش سطح پنهان‌کاری تخصصی اطلاعات، به ویژه در حوزه اینترنت؛
۱۹. ترکیب عوامل جمع‌آوری و تحلیل اطلاعاتی؛
۲۰. طراحی عملیات فریب استراتژیک علیه حریف با مساعدت عوامل آشکار؛
۲۱. انعقاد بیشتر توافق‌نامه‌ها و معاهدات همکاری‌های اطلاعاتی دو یا چندجانبه بین کشورها.

رشد چنین وضعیتی، برخی تهدیدات و آسیب‌ها را نیز متوجه سازمان‌های اطلاعاتی خودی می‌کند که موجب کاهش سطح تأثیرگذاری سازمان در برخورد با مسائل اطلاعاتی می‌شود. در

نگاه آسیب‌شناسانه، عوامل ذیل را می‌توان به عنوان نقاط منفی تأثیر جامعه شبکه‌ای بر سازمان‌های اطلاعاتی خودی لحاظ کرد:

۱. تولید انبوه اطلاعات فریب، غلط، مغشوش و نادرست از مجاری متعدد؛
۲. طراحی عملیات روانی پیچیده و عدم شناخت آن توسط سازمان خودی؛
۳. ورود بازیگران جدید اطلاعاتی و محدود شدن حیطه اختیار سازمان‌های اطلاعاتی؛
۴. افشای اخبار و اطلاعات محرمانه و حساس؛
۵. شناسایی مراکز امنیتی حساس و استراتژیک؛
۶. کشف منابع و روابط اطلاعاتی؛
۷. بروز و رشد تهدیدات نوین و عدم اشراف سازمان‌های اطلاعاتی در مدیریت این تهدیدات؛
۸. کاهش حوزه نظارت و کنترل سرویس‌ها در تهدیدات اطلاعاتی؛
۹. افشای شیوه‌ها و شگردهای اطلاعاتی؛
۱۰. رشد جاسوسی شبکه‌ای توسط بازیگران مختلف؛
۱۱. دستیابی تروریست‌ها به اطلاعات حیاتی؛
۱۲. پرهزینه شدن اقدام اطلاعاتی برای سازمان‌های اطلاعاتی؛
۱۳. مبهم و پیچیده‌تر شدن کشف و شناخت پدیده‌های امنیتی؛
۱۴. کاهش توان ضد اطلاعات خودی در برابر تهدیدات حریف.

جامعه شبکه‌ای، با چنین ویژگی‌هایی، موجب شده بعضاً سرویس‌های اطلاعاتی، در برخی حوزه‌ها دچار ضعف و آسیب شوند. چون جامعه شبکه‌ای ذاتاً مسئولیت‌ناپذیر و دارای ویژگی خودپنهانی می‌باشد، شناسایی و پیگیری اهداف اطلاعاتی برای سازمان‌های اطلاعاتی، تا حدودی مشکل شده است. ضمن اینکه، برخی کنش‌گران فعال در این حوزه، از عمر کوتاهی برخوردارند و در چنین شرایطی، تعقیب اهداف درازمدت با دشواری همراه خواهد بود. به باور کاستلز، اکنون بشر به دوره تازه‌ای از تاریخ خود در رابطه با طبیعت وارد می‌شود. این دوره، با ظهور جامعه شبکه‌ای آغاز شده است. در این دوره، طبیعت به جای اینکه «موضوع انقیاد باشد، در هیأت خاص فرهنگی، احیا و خلق می‌شود.» از دهه ۱۹۸۰،

سرمایه‌داری وارد دوره‌ای شده که نوعی تجدید ساختار بنیادین را تجربه می‌کند. نیروی محرک این تجدید ساختار، انقلاب تکنولوژی اطلاعات و بستر آن، منطق نظام سرمایه‌داری پیشرفته است. در همین زمان، نظام شوروی که کاستلر آن را در برابر نظام سرمایه‌داری، نظام «دولت‌سالاری» می‌خواند، به دلیل ناتوانی در تجدید ساختار، در لحظات آغازین به فروپاشی دچار شد، اما چین توانست به تعبیر کاستلر، با گذر به سرمایه‌داری تحت رهبری دولت و پیوستن به شبکه‌های اقتصادی جهانی، با مسیر تحول جدید همراه شود (کاستلر، ۱۳۸۳: ۱۴۵). از این رو، جامعه شبکه‌ای موجب فشردگی زمان و مکان و به همین نسبت، تأثیر بر اقدامات سازمان‌های اطلاعاتی در بازه زمانی مشخص می‌شود. در چنین شرایطی، حریف، قبل از سازمان خودی اقدام به عمل می‌کند. بنابراین، شناخت شرایط زمانی و اقدام به موقع، از اهمیت برخوردار است. هر که سریعتر اقدام نماید، قدرتمندتر است. به همین دلیل است که بسیاری از تقاضاهای اجتماعی توسط رقبا، برنامه‌ریزی، تشدید و مدیریت می‌شود. به موازات دشواری در مدیریت مکان، کنترل بر زمان نیز در جامعه شبکه‌ای در معرض خطر قرار می‌گیرد. در عصر جامعه شبکه‌ای، از سویی سازمان‌های اطلاعاتی به حداکثر اطلاعات دسترسی دارند و می‌توانند نیازهای خود را برآورده نمایند، اما از سوی دیگر، اعتبار و اعتماد به اخبار منتشره، مورد تردید واقع شده و این سازمان‌ها باید انرژی زیادی در فرآیند بررسی و ارزیابی اخبار، به منظور تعیین صحت و سقم آن صرف کنند. همچنین، در حال حاضر، دامنه فعالیت‌های ضد اطلاعاتی را تهدید ناشی از فعالیت‌های اطلاعاتی حریف یا رقیب تعیین می‌کند. به موازاتی که حریف حوزه تهدید را گسترده نماید، به همان میزان نیز فعالیت ضد اطلاعات بیش‌تر می‌شود.

از سوی دیگر، کنش‌گران اجتماعی که در حوزه داخلی به فعالیت مشغول هستند، اکنون هر یک به دلیل احساس خطر کردن، به بازیگر اطلاعاتی فعال تبدیل شده‌اند. این گونه کنش‌گران که از فردی شدن هویت ناشی از زندگی در شبکه‌های جهانی قدرت و ثروت طرد شده‌اند، در برابر آن مقاومت کرده و به دنبال ایجاد هویت مقاومت در برابر هویت ملی هستند. از این رو، در حوزه فعالیت اطلاعاتی، یا به مثابه واکنش به روندهای اجتماعی رایج پدید می‌آیند که به خاطر منابع مستقل معنایی، در برابر این روندها مقاومت می‌کنند و یا اینکه در آغاز، هویت‌های

تدافعی هستند که کارکرد اصلی آنان، ایجاد انسجام و تأمین پناه‌گاه و حمایت در برابر دنیای خصمانه بیرونی است. از این رو، به دنبال پنهان‌کاری برای تأمین اهداف خود هستند.

در چنین شرایطی، سازمان‌های اطلاعاتی در حوزه‌های ملی و فراملی، با تهدیدات نوینی مواجه شده‌اند که در گذشته وجود نداشتند. برای پاسخ‌گویی مناسب به این نوع تهدیدات، ابزارهای جدید نیز توسط این سازمان‌ها به کار گرفته شده است. واقعیت این است که در سطح فراملی، امروزه کمتر کشوری است که قادر باشد با همه وجوه تهدیدات برخورد نماید. بنابراین، کشورها سعی می‌کنند از طریق تسهیم اطلاعات، سایرین را نیز به کار گرفته و با مشارکت یکدیگر، امنیت بین‌المللی را تأمین نمایند. تبادل و همکاری اطلاعاتی، موجب بهره‌گیری کشورها از تجارب یکدیگر می‌شود. در تسهیم اطلاعات، هر عضوی، وظیفه‌ای خاص را بر عهده می‌گیرد و سایرین از نتایج این تحقیقات بهره می‌گیرند. برای مثال، در موضوع مبارزه با تروریسم، بسیاری از کشورهایی که با یکدیگر روابط سیاسی ندارند، در چهارچوب توافق‌نامه مبارزه با تروریسم، اطلاعات دریافتی را بین یکدیگر توزیع می‌نمایند. از سوی دیگر، باید توجه داشت در عرصه جامعه شبکه‌ای، رقبا نیز توانمندتر شده‌اند، فعالیت آنها پیچیده‌تر و مخفی‌تر شده و چون امکانات فراوانی در اختیار دارند، در بسیاری از موارد قادرند در مقابل سازمان‌های اطلاعاتی بایستند.

تولید اطلاعات دقیق، به موقع و مفید، یکی از مهمترین وظایف سازمان‌های اطلاعاتی است که باید منجر به تصمیم‌گیری عاقلانه و به موقع از سوی سیاستمداران گردد. امروزه، علاوه بر ضرورت وجود آمادگی و تخصص در مأمور اطلاعاتی، موضوع سازمان‌یافتگی و هوشمندی آن، هدف‌گذاری اطلاعاتی، اولویت‌بخشی به فعالیت‌های جاسوسی، نگاه راهبردی، بررسی پیوسته و مستمر آنان و به روزسازی مأموران، استفاده از مدل‌های تحلیل رقابتی، مسأله پیش‌بینی اطلاعاتی و پرهیز از غافل‌گیری و ده‌ها مورد دیگر، همه و همه، اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت مهمترین تأثیر این فرآیند بر سازمان‌های اطلاعاتی، تبدیل این سازمان‌ها از وضعیت تصلبی و سخت، به نوعی سازمان انعطاف‌پذیر بوده است که بتواند با همه نوع تهدیدات مقابله نماید.

اگر سازمان اطلاعاتی نتواند خود را به ابزارهای نوین مانند اطلاعات رقابتی، بررسی استراتژیک و صیانت از اطلاعات حیاتی تجهیز نماید، به طبع، سایر بازیگران اطلاعاتی این فضا را به تسلط خود در خواهند آورد. مواجهه با تهدیدات نوین و پیچیده، مستلزم طراحی‌های دقیق و آمادگی کامل می‌باشد. در غیر این صورت، سایرین بر حوزه اطلاعات حیاتی غلبه خواهند کرد. طراحی سازمان‌های اطلاعاتی مجازی توسط سازمان‌های حقیقی، می‌تواند بخشی از تهدیدات را پیش‌بینی و شیوه‌های مقابله با آن در شرایط مختلف را برنامه‌ریزی نماید.

منابع

- داوسن، مایکل و جان بلامی فاستر (۱۳۷۹): «سرمایه‌داری مجازی و اقتصاد سیاسی بزرگراه اطلاعاتی»، ترجمه مهرا ن مهاجر، درخسرو پارسا (گردآورنده)، *جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری*، تهران: آگاه.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰): *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ج. ۲، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- اینس، مارتین (۱۳۸۴): *گفت و گوهای با مانوئل کاستلز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- کاستلز، مانوئل (بهار ۱۳۸۳): «جامعه شبکه‌ای و هویت جدید»، ترجمه محمدرضا معینی، *فصلنامه مجلس و پژوهش*، سال ۱۱، شماره ۴۳.
- پولادی، کمال (مرداد ۱۳۸۲): «عصر اطلاعات و پیدایش جامعه شبکه‌ای»، کتاب *ماه علوم اجتماعی*، شماره ۷۰-۶۹.
- آلبرتس، دیوید و پاپ، دانیل (۱۳۸۵): *گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شولتز، ریچارد و گادسون، روی (۱۳۸۶): *رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی*، ترجمه سید محمد علی متقی‌نژاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گروه مطالعات و تحقیقات راهبردی مجمع (۱۳۸۸): *فناوری و قدرت ملی (چالش‌ها و راهبردها)*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کانوی، مائورا (۱۳۹۰): «بهره‌برداری تروریست‌ها از اینترنت و چالش‌های مدیریت فضای اطلاعات»، در *جیمز روزنا و دیگران. انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری‌های جدید*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۱۲۹-۱۷۲.
- Baylis, John and Steve Smite (1997); *The Globalization of World Politics*, Oxford: Oxford University Press.
- Shulsky, Abram (1993); *Silent Warfare: Understanding the World of Intelligence*, Washington: Brassey's Press.

- Dupont, Alan (Winter 2003); "Intelligence for the Twenty- first century", *Intelligence and National Security Journal*, Vol 18, Num 4.
- Wark, Wesley K. (Winter 2003); "Learning to Live With Intelligence", *Intelligence and National Security Journal*, Vol 18, Num 4.
- Berkowitz, Bruce and Goodman Allan (2000); *Best Truth: Intelligence in the Information Age*, New Haven: Yale University Press.
- Kent, Sherman (2006); *Intelligence and the National Security Strategist*, Washington: National Defense University Press.
- Lowenthal, Mark (2003); *Intelligence from Secrets to Policy*, Washington: CQ Press
- Arquilla, John & Ronfeldt, David (2001); *Network and Netwars: the Future of Terror, Crime and Military*, Rand Press.
- Boni, William & Kovacich, Gerald (2000); *Netspionage: The Global Threat to Information*, Boston: Butterworth Press.
- Sands, Amy (2005); *Integrating Open Sources in to Transnational Threat Assessments*, Washington: Polity Press
- Aldrich, Richard J (2010); *GCHQ: The Uncensored Story of Britains Most secret Intelligence Agency*, London: Harper Collins.